



Research Paper

The Drivers of Change in the Middle East Security Environment and the Future of Iran's Security

Mohammad Jafar Javadi Arjmand^{1*} , Amin Moeini² 

¹ Corresponding Author: Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran. Email: mjjavad@ut.ac.ir

² PhD in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran.

Abstract

The surrounding environment of the region has a fluid and changing nature, and thus the national security of each of the states in the Middle East depends on understanding the dynamics and reliability of the regional security environment. In recent years, especially after the Arab Spring, the Middle East has seen rapid changes and emerging trends that have influenced regional security, patterns of coalition building, and regional security architecture. The speed, depth and scope of the transformation in the security environment of the Middle East are to such an extent that identifying the effective *drivers* and understanding the upcoming trends has become one of the significant research topics in political and international studies. Accordingly, the main objectives of the present study are to identify and analyze national, regional, and international drivers of change within the theoretical framework of Buzan's regional security complex (RSC), and find appropriate answers to the following questions: a) What are the drivers of transformation in the security environment of the Middle East; and b) How do these developments influence the future of Iran's security?

Remarkable transformation is taking place at three national, regional and international levels. Thus, in the research hypothesis, the authors postulate that the drivers of change in the security environment of the Middle East have a significant impact on Iran's security. The drivers include the fundamental forces which influence the security environment of the Middle East, and in turn have implications for Iran's security. The drivers which

***How to Cite:** Javadi Arjmand, Mohammad Jafar; and Amin Moeini. (2023, Summer) "The Drivers of Change in the Middle East Security Environment and the Future of Iran's Security," *Faslnāmeḥ-ye siyāsat (Politics Quarterly)* 53, 2: 215-235, <DOI:10.22059/JPQ.2023.343868.1007964>.

Manuscript received: 30 July 2022; final revision received: 15 March 2023; accepted: 16 April 2023, published online: 17 September 2023



influence regional and national security include the growth of unstable governments, the multiplicity and severity of regional security challenges which had been triggering dangerous competitions between adversaries and rivals (e.g., the escalation of tension in Iran-Saudi relations), the success and failures of coalition building in the Israel-Arab axis with repercussions for Iran's security policies and strategic stability, the redefinition of the roles and interests of the Great Powers in the region which had been leading to the intensification of their rivalries and changes in their military-security doctrines. Trend analysis of qualitative data is used to identify and explain key developments in the Middle East and to understand what the future will look like for Iran's security. Trends are gradual forces, factors or patterns that cause changes in the desired phenomenon. Macro trends are important and dominant trends that have significant impact on the transformation of the phenomenon in question. *Pishrān* refers to the major forces that shape the future and consists of several processes that cause changes in the desired phenomenon.

The authors organize their analyses and discussions in four parts. In the first section, the research objectives, main concepts and research method are described. In the second part, the concepts of regional security complex (RSC), extraterritorial security environment and regional security are explained. Moreover, they review recent work in security studies which examine the question of how socio-economic and political developments will ultimately affect regional and national security. The third part is dedicated to explaining the national, regional and international drivers and trends that have the ability to transform Iran's security environment. In the final part, they discuss the transformation of the security environment, particularly the transformation in the patterns of regional order and the change in the patterns of confrontation and cooperation among regional states. They also draw attention to the security threats arising from this transformation that affect the security of the region. The findings of the research indicate that the transformation of the regional security system with its new order will lead to the intensification of security threats for Iran. The results might be helpful for the policymakers who are enthusiastic about the task of developing forward-looking strategies to confront the current and future security threats.

Keywords: Iran, Middle East, Regional Order, Regional Security Complex, Trend Analysis

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

پیشران‌های تحول در محیط امنیتی خاورمیانه و آینده امنیت ایران

محمدجعفر جوادی ارجمند^۱، امین معینی^۲

^۱ نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mjjavad@ut.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش پیش‌رو با به‌کارگیری ابزار روند پژوهی و بهره‌مندی از مفاهیم نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در پی پاسخگویی به این پرسش است که پیشران‌های دگرگونی در محیط امنیتی خاورمیانه کدام‌اند و این تحولات چه تأثیری بر آینده امنیت ایران دارند؟ پژوهش مبتنی بر این فرضیه است که دگرگونی مذکور در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حال وقوع است؛ دولت‌های ناپایدار، پویای امنیتی نیروهای هویت‌بنیاد، پیچیدگی‌های امنیت منطقه‌ای، سیاست انباشت قدرت، تضاد بحران در روابط ایران و عربستان، ائتلاف‌سازی در محور عبری-عربی، بازتعریف نقش و منافع منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ و تغییر دکترین نظامی-امنیتی ایالات متحده پیشران‌های تحول در محیط امنیتی خاورمیانه و در نتیجه مؤثر بر امنیت ایران هستند. واحد اصلی تحلیل در پژوهش پیش‌رو مجموعه امنیتی خاورمیانه، متغیر وابسته امنیت ایران و متغیرهای مستقل پیشران‌های تحول‌ساز در محیط امنیتی خاورمیانه‌اند. پژوهش برای شناسایی و تحلیل پیشران‌ها و نیز ترسیم چشم‌انداز آتی آنها از روش روندپژوهی که یکی از رهیافت‌های آینده‌پژوهی است، بهره می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حکایت از دگرگونی در محیط امنیتی، تغییر در الگوهای نظم منطقه‌ای و تشدید تهدیدهای امنیتی ایران دارد.

واژه‌های کلیدی: امنیت منطقه‌ای، خاورمیانه، روندپژوهی، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نظم منطقه‌ای

* استناد: جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ امین معینی. (۱۴۰۲). تابستان «پیشران‌های تحول در محیط امنیتی خاورمیانه و آینده امنیت ایران»، فصلنامه سیاست، ۵۳، ۲: ۲۳۵-۲۱۵. <DOI: 10.22059/JPQ.2023.343868.1007964>. تاریخ دریافت: ۱۸ مرداد ۱۴۰۱، تاریخ بازنگری: ۲۴ اسفند ۱۴۰۱، تاریخ تصویب: ۲۷ فروردین ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۶ شهریور ۱۴۰۲.

۱. مقدمه

محیط پیرامونی دولت‌ها خصلتی سیال و ماهیتی متحول دارد. تأمین امنیت منطقه‌ای دولت‌ها در گرو درک پویایی‌ها و پایایی‌های این محیط است. در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از بهار عربی، خاورمیانه شاهد تحولات پرشتاب و روندهای نوظهوری بوده که بر «امنیت منطقه‌ای»^۱ دولت‌ها، الگوهای ائتلاف‌سازی و «نظم منطقه‌ای»^۲ مؤثر بوده‌اند. شتاب، عمق و گستره تحول در محیط امنیتی خاورمیانه به‌گونه‌ای است که شناسایی «پیشران‌های»^۳ مؤثر و درک روندهای پیش‌رو به یکی از نگرانی‌های پژوهشی در تحقیقات سیاسی و بین‌المللی تبدیل شده است. در این زمینه هدف پژوهش پیش‌رو تبیین تحولات محیط امنیتی خاورمیانه و بررسی تأثیر آنها بر آینده امنیت ایران در چارچوب نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای»^۴ است. منظور از پیشران‌ها نیروهای بنیادین مؤثر در محیط امنیتی خاورمیانه، و به‌دنبال آن اثربخش بر امنیت ایران است.

برای تبیین تحولات پیش‌گفته و ترسیم چشم‌انداز آتی آنها از روش «روندپژوهی»^۵ استفاده می‌شود؛ این روش یکی از رهیافت‌های آینده‌پژوهشی است که با مطالعه روندهای تاریخی و شناسایی پیشران‌های مؤثر به پیش‌بینی آینده می‌پردازد. به‌طور مشخص پرسش اصلی پژوهش این است که پیشران‌های تحول در محیط پیرامونی ایران کدام‌اند و دگرگونی این محیط چه تأثیری بر امنیت ایران دارند؟ بر پایه فرضیه پژوهش دولت‌های ناپایدار، پویش‌های امنیتی نیروهای هویت‌بنیاد، پیچیدگی‌های امنیت منطقه‌ای و سیاست انباشت قدرت، تصاعد بحران در روابط ایران و عربستان، ائتلاف‌سازی در محور عبری-عربی، بازتعریف نقش و منافع منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ و تغییر دکترین نظامی-امنیتی ایالات متحده پیشران‌های تحول در محیط امنیتی خاورمیانه و در نتیجه مؤثر بر امنیت ایران هستند. واحد اصلی تحلیل در پژوهش پیش‌رو مجموعه امنیتی خاورمیانه، متغیر وابسته پژوهش امنیت ایران و متغیرهای مستقل پیشران‌های دگرگونی محیط امنیتی خاورمیانه‌اند. پژوهش حاضر در چهار بخش به تبیین و آزمون فرضیه اصلی می‌پردازد؛ در بخش نخست متغیرها و روش انجام پژوهش تشریح می‌شود. در بخش دوم مفاهیم اصلی پژوهش که عبارت‌اند از مجموعه امنیتی منطقه‌ای، محیط امنیتی فراسرزمینی و امنیت منطقه‌ای توضیح داده می‌شوند. بخش سوم به تبیین پیشران‌ها و روندهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که از قابلیت دگرگونی محیط فراسرزمینی ایران برخوردارند، اختصاص دارد. در بخش پایانی پژوهش نیز دگرگونی محیط فراسرزمینی ایران که یکی از شاخص‌های مهم آن تحول در الگوهای نظم منطقه‌ای و تغییر در الگوهای تقابل و

1. Regional Security
2. Regional Order
3. Drivers
4. Regional Security Complex
5. Trend Study

همکاری منطقه‌ای است، تشریح شده و تهدیدهای امنیتی برخاسته از این دگرگونی‌ها که متوجه امنیت جمهوری اسلامی ایران است، بررسی می‌شود.

۲. روش انجام پژوهش؛ روندپژوهی

روندپژوهی با مطالعه روندهای تاریخی و شناسایی روندهای نوپیدای آینده را پیش‌بینی می‌کند. تحلیل روند بسته به نوع پژوهش با داده‌های کمی و کیفی سروکار دارد و از ابزار تحلیلی مختلفی بهره می‌جوید (Gordon, 2012: 175). روندها نیروهایی تدریجی، عوامل یا الگوهایی هستند که موجب تغییر در پدیده موردنظر می‌شوند. کلان‌روندها، روندهایی مهم و غالب‌اند که در دگرگونی پدیده موردنظر تأثیر چشم‌گیری دارند. پیشران به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده و متشکل از چندین روند اشاره دارد که موجب تغییر در پدیده موردنظر می‌شوند (Bell, 2012). در این شیوه پژوهشی، روند تغییر متغیرهایی که مسیر آنها برای موضوع پژوهش مهم و بیان‌کننده آنها دشوار است، مورد توجه قرار دارد؛ فرض بر این است که رویدادهای آینده به صورت اتفاقی رخ نداده و نشانه‌هایی برای وقوع آنها در گذشته و حال وجود دارد. بنابراین در این شیوه روند دگرگونی‌ها و پویایی عوامل مؤثر (متغیرهای مستقل) بر تحول پدیده‌ای که پیش‌بینی آن مورد توجه است (متغیر وابسته) بررسی می‌شود. در پژوهش حاضر امنیت ایران متغیر وابسته است. متغیرهای مستقل نیز عبارت‌اند از تحولات داخلی واحدهای سیاسی و تأثیر آنها بر پویای امنیتی منطقه با تمرکز بر نیروهای هویت‌بنیاد، روابط متقابل دولت‌ها یا الگوهای همکاری و منازعه و در پایان تأثیر ساختار نظام بین‌الملل یا نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ.

۳. محیط امنیتی فراسرزمینی، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و امنیت منطقه‌ای دولت‌ها

محیط امنیتی فراسرزمینی دولت‌ها را مجموعه‌های امنیتی اطراف و پویای امنیتی برآمده از آنها شکل می‌دهد. بر پایه نظریه «بری بوزان»^۱ مجموعه امنیتی منطقه‌ای به دولت‌هایی اشاره دارد که چالش‌های امنیتی مشترک آنها را همبسته و یکپارچه ساخته است. در چنین مجموعه‌ای پیوستگی امنیتی اعضا چنان است که رفتار هر یک از واحدهای سیاسی و تحولات امنیتی داخل آنها تأثیرات مهمی بر سایر اعضا دارد. به باور بوزان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از مجموعه‌های امنیتی پیرامونی مجزاست و به واسطه پویای آنها و تعاملات امنیتی داخلی‌شان تعریف می‌شوند که به مراتب مهم‌تر و اثربخش‌تر از پویای برآمده از مجموعه‌های

1. Barry Buzan

همجوارند. با وجود این مجموعه‌های امنیتی می‌توانند همپوشانی و عضویت مشترک داشته باشند (Buzan and Weaver, 2015: 59). بیشتر مجموعه‌های امنیتی موجود در نظام بین‌الملل دارای یک یا چند قدرت بزرگ با قابلیت اعزام نیرو و تأثیرگذاری بر تحولات سایر مناطق هستند. این قدرت‌ها ناگزیر در پهنه جغرافیایی منطقه مورد نظر واقع نشده‌اند. برای نمونه آمریکا را می‌توان عضوی از مجموعه امنیتی اروپا یا خاورمیانه دانست در حالی که از ویژگی‌های جغرافیایی آن در هیچ‌یک از این دو منطقه واقع نشده است (Lake and Morgan, 2015: 29-30).

کانون توجه بوزان در نظریه مجموعه‌های امنیتی مناطق مسئله امنیت است. از دید او امنیت ملی (به‌طور نمونه امنیت فرانسه) به‌خودی‌خود یک سطح معنادار تحلیل نیست، چراکه پوشش‌های امنیتی در بنیاد خود رابطه‌ای بوده و هیچ دولتی نمی‌تواند به‌تنهایی، بدون توجه به محیط پیرامونی و تأثیر موضوع‌های امنیتی در محیط فراسرزمینی، امنیت خود را تأمین کند. با این حال مطالعات «امنیت ملی» بدون توجه به بسترهای سیستمی یا زیرسیستمی، تنها دولت مورد نظر را در کانون توجه قرار می‌دهند. از سویی امنیت بین‌المللی نیز امری آرمانی و دور از واقعیت است، چراکه جهان از نظر امنیتی همگرایی چندانی ندارد و آنچه در سطح جهانی با عنوان امنیت بین‌المللی شناخته شده مطلوب همه واحدهای نظام بین‌الملل نبوده و بازتاب‌دهنده نگرانی همه دولت‌ها نیست. گرچه در محیط منطقه‌ای، امنیت دولت‌ها چنان درهم‌تنیده است که نمی‌توان امنیت یک دولت را جدای از دولت‌های دیگر تعریف کرد. در سطح منطقه‌ای، تلاقی امنیت ملی و بین‌المللی تصویری کلی از امنیت در تقاطع دو سطح ملی و بین‌المللی شکل می‌دهد که همان امنیت منطقه‌ای است. قدرت‌های بزرگ در سطح نظام بین‌الملل یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ولی مجموعه‌های وابستگی متقابل نزدیک به هم در سطح مناطق شکل می‌گیرد. در سطحی دیگر، هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای دربرگیرنده ترس و امید واحدهای مجزاست که تا اندازه‌ای برآمده از گسست‌های داخلی‌اند. بنابراین امنیت ملی یا امنیت واحدهای مجزا و فرایند نقش‌آفرینی قدرت‌های جهانی برای تأمین امنیت بین‌المللی را تنها در پرتو درک پوشش‌های امنیتی در سطح مناطق می‌توان فهمید (Buzan and Weaver, 2015: 54).

بوزان به سطح تحلیل منطقه‌ای توجه ویژه‌ای دارد. پیش از این در مطالعات سیاست بین‌المللی بر نقش قدرت‌های بزرگ در معماری ساختار امنیتی مناطق تأکید زیادی وجود داشت. هرچند از دید بوزان یک مجموعه امنیتی شامل الگوهایی از رقابت، موازنه و ائتلاف میان بازیگران اصلی یک منطقه است که نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در قالب نفوذ در آن اثر

می‌کند. وی معتقد است الگوهای منازعه از پایه بومی‌اند و خاستگاه منطقه‌ای دارند (Buzan and Weaver, 2015: 56-58).

متغیرهایی نظیر تاریخ، جغرافیا، هویت و فرهنگ در شکل‌گیری و تداوم الگوی روابط منطقه‌ای موثرند (Buzan and Weaver, 2015: 60-61). با وجود اهمیت بخشیدن به سطح تحلیل منطقه‌ای، در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای چهار سطح تحلیل به شرح زیر مورد توجه است؛ بسته به شرایط یکی از این سطوح می‌تواند قالب باشد. نظریه‌پردازان به این موضوع نمی‌پردازند که کدام سطح تحلیل همواره مسلط و غالب است. با این وجود، معتقدند در دنیای پس از جنگ سرد سطح تحلیل منطقه‌ای در تحلیل امنیت اهمیت یافته، همواره حضور داشته و گاهی اهمیت آن بیش از سایر سطوح بوده است؛ ممکن است غالب شود یا نشود، ولی هرگز قابل چشم‌پوشی نیست (Lake and Morgan, 2015: 31).

۱. ملی: در سطح ملی آسیب‌پذیری داخلی دولت‌های منطقه مورد اهمیت است؛ اینکه ثبات داخلی و همسویی دولت-ملت چه میزان و چگونه است. آسیب‌پذیری دولت‌ها معرف نوع ترس‌های امنیتی آنهاست. این ترس‌ها گاهی موجب بروز تهدیدهای ساختاری برای همسایگان است.

۲. منطقه‌ای: یکی از مهم‌ترین پیامدهای تحلیلی نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بوزان وزن‌دهی به سطح تحلیل منطقه در مطالعه موضوع‌هایی مانند نظم و امنیت است. تا پیش از این در مطالعات سیاست بین‌الملل تأکید بیش‌ازحدی بر نقش قدرت‌های بزرگ بود. بوزان معتقد است الگوهای منازعه از پایه بومی‌اند و خاستگاه منطقه‌ای دارند. مطالعه و تحلیل الگوهای دوستی و دشمنی باید از سطح منطقه‌ای آغاز کرد، به‌گونه‌ای که نقش‌آفرینی قدرت‌های جهانی و تأثیر متغیرهای ملی را نیز در برگیرد.

۳. بین‌منطقه‌ای: در این سطح تعاملات امنیتی منطقه با منطقه همسایه مدنظر است. البته بوزان و ویور معتقدند این تعاملات کمابیش محدودند، چراکه مجموعه‌ها بیشتر به‌واسطه پویاها و تعاملات امنیتی داخلی‌شان تعریف می‌شوند که به‌مراتب مهم‌تر و اثربخش‌ترند.

۴. جهانی: در این سطح تحلیل تعاملات ساختارهای امنیتی جهانی و منطقه‌ای یا نقش و نفوذ قدرت‌های جهانی در منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد.

این چهار سطح تحلیل در کنار هم سازنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای هستند (Buzan and et al., 1998: 201). اهمیت کاربرد نظریه مجموعه امنیتی به چند دلیل شایان توجه است؛ نخست اینکه بیان آشکار و شیوه نوینی در تحلیل مفاهیمی مانند نظم منطقه‌ای و امنیت منطقه‌ای به‌دست می‌دهد. این نظریه افزون بر در نظر گرفتن سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی به سطح تحلیل منطقه‌ای نیز اهمیت می‌دهد و آن را از مهم‌ترین سطوح تحلیل می‌داند؛ مسئله‌های

که تا پیش از ارائه این نظریه در مطالعات سیاست بین‌الملل امری کم‌اهمیت و تا اندازه زیادی مغفول بود. دوم چارچوبی مناسب برای تحلیل و سازماندهی مطالعات تجربی به دست داده، و در پایان بر پایه اشکال ممکن و بدیل‌های مجموعه‌های امنیتی می‌توان سناریوهایی برای امنیت منطقه‌ای دولت‌ها پیش‌بینی کرد. در واقع، نظریه مجموعه امنیتی تنها چارچوبی برای مطالعه و سازماندهی پژوهش‌های تجربی نیست و با حصول درکی عمیق از شرایط و ملزومات، پیش‌بینی و ارائه سناریوهای بدیل را ممکن و آسان می‌سازد.

۴. پیشران‌های تحول‌ساز در محیط فراسرزیمینی ایران

درک درست از محیط فراسرزیمینی ایران و شناخت پیشران‌ها و روندهای کارا در دگرگونی آن مستلزم تحلیل ژرف پویایی‌ها و پایایی‌ها در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. برای شناخت بهتر الگوها و ساختار امنیتی در محیط فراسرزیمینی ایران می‌توان یک نظام منطقه‌ای دربرگیرنده مجموعه‌های امنیتی پویا از جمله خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و جنوب آسیا را در نظر گرفت که از همپوشانی و اعضای مشترک برخوردار بوده و پوشش‌های امنیتی آنها بر امنیت ایران کارگر است؛ در این بین مجموعه امنیتی خاورمیانه بارور بیشترین تأثیر بوده و ویژگی برجسته آن رواگی برق‌آسای پوشش‌های امنیتی به فضای پیرامونی است. مجموعه امنیتی خاورمیانه نمونه بارزی از شکل‌گیری یک کشمکش است که جایگاه داخلی و منافع شخصی نخبگان سیاسی تأثیر چشم‌گیری در پیدایش و تداوم پوشش‌های امنیتی آن دارد. ساختار ظاهری دولت‌ها، مدرن، ولی درون آنها آکنده از بن‌پاره‌های پیشامدرن قدرت همانند قبیله، عشیره، قومیت و مذهب است. نفوذپذیری ساختار امنیتی یکی از ویژگی‌های برجسته خاورمیانه است؛ به این معنا که قدرت‌های بزرگ در گزینش و دگرش این ساختار نقش چشمگیر و کارایی داشته‌اند. تعاریف زیادی برای خاورمیانه پیشنهاد شده، ولی بنیاد پژوهش پیش‌رو به پیروی از بوزان وابستگی دوسویه امنیتی است که منطقه‌ای دربرگیرنده ایران، اسرائیل، عراق، مصر، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و کشورهای حاشیه خلیج فارس است (Buzan and Weaver, 2015:99) پیشران‌های تحول‌ساز در محیط امنیتی فراسرزیمینی ایران را می‌توان در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جداسازی کرد. منظور از پیشران‌ها نیروهای کلانی است که از توانایی دگرگونی الگوهای امنیت منطقه‌ای برخوردارند.

۴.۱. پیشران‌های داخلی

در ادامه سه پیشران اصلی مؤثر در تحول محیط امنیتی خاورمیانه که بر امنیت ایران نیز مؤثرند، تبیین می‌شود.

۴.۱.۱. دولت‌های ناپایدار

دولت‌های ناپایدار همواره در معرض بحران‌های هویتی برآمده از شکاف‌های اجتماعی اند که مانع از تحقق عینی حاکمیت شده یا آن را دشوار ساخته است. چنین دولت‌هایی بارور بحران‌های امنیتی داخلی‌اند و از ساختاری شکننده رنج می‌برند (Migdal, 1988: 22). روند تحولات داخلی واحدهای مجموعه امنیتی خاورمیانه حکایت از انباشت چالش‌های امنیتی، انسداد سیاسی و ناکارآمدی اقتصادی در برخی دولت‌ها دارد. تداوم این روندها، تبدیل دولت‌های ناپایدار به دولت‌های ورشکسته را به امری محتوم، ولی در زمانی نامعلوم بدل ساخته است. در این بین ماهیت متحول نظام بین‌الملل و استعداد کنونی آن برای تغییر در نقش و منافع قدرت‌های بزرگ در کنار ناکارآمدی دولت‌های منطقه در پاسخ به مطالبات سیاسی اجتماعی جوامع، فضای کنش بازیگران هویتی را فراخ‌تر کرده و محیط امنیتی خاورمیانه را بیش از هر زمان دیگری مستعد دگرگونی ساخته است.

۴.۱.۲. نیروهای هویت بنیاد قومی

رادیکالیزه شدن هویت‌های قومیتی یکی دیگر از پیشران‌های مؤثر در محیط پیرامونی ایران است که در سال‌های اخیر عوامل متعددی تشدید آن را در پی داشته است؛ ساختار ضعیف و بحران مشروعیت دولت‌ها، نبود نهادسازی، سرکوب جنبش‌های مدنی، محرومیت‌های اقتصادی و سیاسی از جمله این عوامل هستند. تعریف تنگ‌نظرانه بنیادهای هویت ملی بر پایه ارزش‌های یک قوم یا مذهب خاص نیز هویت‌های فروملی را از فضای سیاسی به حاشیه رانده و در تندروری آنها مؤثر بوده است (Ahmadi, 2011: 357). آنچه کشمکش‌های قومی را به چالش منطقه‌ای بدل می‌کند، قابلیت سرریز شدن آنها به دولت‌های پیرامونی است. این شرایط امکان و توجیه لازم برای مداخله نظامی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ در بحران‌های امنیتی کشورهای منطقه را فراهم ساخته است (Moini and Motaghi, 2021: 698).

۴.۱.۳. اسلام‌گرایان تندرو

تجربه دهه‌های گذشته بیانگر افول جایگاه اسلام‌گرایی در لایه‌های اجتماعی خاورمیانه است. ضعف برنامه‌های سیاسی اجتماعی در مقابل برنامه‌های رقیب، توسل به ازعاب و خشونت در شاخه‌های جهادی و سلفی و هراس کشورهای غربی و دولت‌های محافظه‌کار منطقه از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان، آینده سیاسی آنها را تیره و تار ساخته است. با این حال احیای شاخه‌های پیکارجویانه در جریان بهار عربی در عراق، سوریه، یمن و لیبی ساخت برخی از دولت‌های منطقه را ضعیف کرد و با فراهم ساختن زمینه مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی الگوهای موازنه قوا را متحول ساخت (Moini and Motaghi, 2021: 707). در

زمانه کنونی رویکردهای فکری و اولویت احزاب اسلام‌گرای باسابقه‌ای مانند النهضه تونس، جبهه عمل اسلامی اردن و حزب عدالت و توسعه مراکش به مشارکت سیاسی و تأکید بر ارزش‌های سکولار دموکراسی متمایل شده است. این جریان‌ها تا اندازه زیادی متأثر از الگوی سیاست‌ورزی حزب عدالت و توسعه و موفقیت‌های آن در زمامداری ترکیه از سال ۲۰۰۱ به این سو هستند (Ayub, 1995:146). با این حال، همچنان بخشی از جریان‌های رادیکال برای نیل به اهداف سیاسی مذهبی مبارزه‌های مسلحانه را راهکاری مؤثر می‌دانند. پوشش‌های امنیتی اسلام‌گرایان تندرو در عراق، سوریه، یمن و افغانستان موجب تضعیف و در برخی موارد فروپاشی ساختار دولت‌ها شده است. فروپاشی دولت رویدادی دگرگون‌ساز است که تأثیر آن از بعد داخلی فراتر می‌رود و به سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز گسترش می‌یابد.

۲.۴. پیش‌ران‌های منطقه‌ای

تعارضات ساختاری، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ابهام در انگیزه‌های نظامی-امنیتی رقبا از جمله مهم‌ترین عوامل تولید و تشدید مناقشه‌ها بین دولتی خاورمیانه است. در کنار این دو عامل، سیاست منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ بر شدت تقابل کشورهای منطقه می‌افزاید. در ادامه با تمرکز بر سطح تحلیل منطقه‌ای سه پیش‌ران مؤثر بر محیط امنیتی ایران بررسی شده است.

۲.۴.۱. پیچیدگی‌های امنیتی و سیاست انباشت قدرت

یکی از چیستی‌های مهم سیاست‌گذاری امنیتی، شناخت منطق حاکم بر راهبرد امنیتی رقبای منطقه‌ای است. تلاش دولت‌ها برای افزایش توان نظامی یا راه‌یابی به سازوکارهای ائتلاف‌سازی، از دید رقبا تلاش برای بیشینه‌سازی قدرت به‌شمار می‌آید. حال آنکه انگیزه اصلی دولت‌ها از ورود به ائتلاف‌ها یا تقویت نیروی نظامی، ممکن است امنیت‌سازی و نه تنها بیشینه‌سازی قدرت باشد. درک درست راهبرد امنیتی دولت‌ها و جداسازی میان انگیزه بیشینه‌سازی قدرت و امنیت‌سازی کلید گشایش «معمای قدرت-امنیت» است (Buzan and Weaver, 2015:326). تردید در ماهیت قدرت نظامی رقبا، زمینه‌ساز نگرانی نسبت به انگیزه آفندی یا پدافندی آنها و پیدایش معمای قدرت-امنیت است.

خاورمیانه کنونی شاهد جلوه‌های بارزی از تردیدهای نظامی-امنیتی نسبت به راهبردهای امنیتی رقباست که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ و همزمان با راه‌یابی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به معادلات امنیتی خاورمیانه و خلیج‌فارس و برپایی ساختار نوین نظم منطقه‌ای آغاز شد. همکاری‌های نظامی-امنیتی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با ایالات متحده و دیگر قدرت‌های غربی که با پیمان‌های امنیتی بلندمدت و واگذاری پایگاه‌های نظامی پرشماری همچون الجفیر بحرین،

العیدید قطر، عرفیجان کویت، شاهزاده سلطان و ملک فیصل عربستان و پایگاه‌های دیگر در امارات و عمان همراه بود، بدبینی و تردید ایران را نسبت به انگیزه اعراب حاشیه خلیج فارس افزایش داد، این روند با جای‌گیری سامانه‌های پدافند موشکی پاتریوت^۱، تاو^۲ و رادار ایکس باند^۳ در کشورهای عضو شورای همکاری ادامه یافت و هزینه‌های گزاف نظامی و رقابت تسلیحاتی گسترده‌ای را موجب شد. به موازات این رویدادها، برنامه‌های موشکی و فعالیت‌های هسته‌ای ایران پرشدت دنبال شد (Jamshidi, 2014: 20). این فعالیت‌ها که برآمده از پیچیدگی‌های امنیتی رقبای منطقه‌ای و شکل‌گیری معمای قدرت-امنیت در خاورمیانه است، روندی از انباشت و موازنه قدرت را در پی داشت و به الگوی رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه تبدیل شده است.

۴.۲.۲. تصاعد بحران‌ها در روابط ایران و عربستان

رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت تأثیرگذار منطقه در سال‌های اخیر تغییر الگوهای همکاری و منازعه منطقه‌ای را در پی داشته است. عربستان همواره پشتیبان اصلی حضور نظامی امریکا در منطقه بوده و راهبرد اصلی این کشور برون‌سپاری امنیت بوده است. ایران پس از انقلاب ولی سردمدار تقابل با غرب بوده و پس از حضور نظامی امریکا سیاست تقابل با این کشور را مهم‌ترین برنامه سیاست خارجی خود قرار داده است. در سال‌های گذشته استمرار و تعمیق تنش در زیر منطقه خلیج فارس دامنه رقابت را به خارج از منطقه گسترش داد. تقابل ایران و عربستان در سوریه و قرار گرفتن هریک در سویی از بحران، سطح منازعه آنها را به شکل چشمگیری افزایش داد.

دولت سوریه تنها متحد منطقه‌ای نظام حاکم بر ایران در جهان عرب است؛ حمایت از ایران در جنگ عراق و اهمیت ژئوپلیتیکی آن در رویارویی احتمالی با اسرائیل جایگاه این کشور را نزد مقامات سیاسی جمهوری اسلامی برجسته ساخته است. بنابراین سقوط دولت بشار اسد در بحرانی که یک طرف اصلی آن ایالات متحده و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن بودند، به معنای از دست دادن مهم‌ترین متحد راهبردی ایران در دنیای عرب، قطع ارتباط زمینی با شرق مدیترانه و تضعیف محور مقاومت در مقابله با اسرائیل بود. در سوی دیگر منطقه و در جغرافیای نفوذ سنتی عربستان، دامنه بحران یمن با نقش‌آفرینی نیروهای نزدیک به ایران یعنی جنبش انصارالله گسترده شد؛ بازیگری فعال ایران در یمن راهبردی در جهت موازنه‌سازی منطقه‌ای بود و به مهم‌ترین تهدید امنیتی عربستان در سال‌های اخیر تبدیل شد

1. Patriot
2. TOW
3. X-Band Radar

(Blanchard, 2021: 29). شکل‌گیری دولت ضعیف در نزدیکی مرزهای عربستان با قدرت‌یابی شبه‌نظامیان نزدیک به ایران برای سعودی‌ها تهدید امنیتی مهم قلمداد می‌شود. افزایش تقابل منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های اخیر و گسترش جغرافیای درگیری به کشورهای مختلف عربی در عمل ایران را به مهم‌ترین تهدید عربستان و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن تبدیل کرد.

۳.۲.۴. ائتلاف‌سازی در محور عبری-عربی

نقش‌آفرینی و حضور پررنگ ایران در تحولات عراق، سوریه، یمن، لبنان و تأثیرگذاری آن بر جریان‌های شیعه در کشورهای مثل بحرین و عربستان در کنار رواداری نظامی امریکا، کشورهای حاشیه خلیج فارس را نسبت به تداوم ثبات و امنیت در درون مرزهای خود نگران ساخته و آنها را به سمت اتخاذ راهبردهای امنیتی نوین بر پایه اصل خودیاری و بهره‌مندی از ابزار ائتلاف و اتحاد هدایت کرده است. به بیان گراهام، در سال‌های اخیر قدرت نظامی، فعالیت‌های منطقه‌ای و توان هسته‌ای جمهوری اسلامی احساس تهدید کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل را تقویت کرده و آنها را به سمت ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای با هدف موازنه ایران سوق داده است (Graham, 2015). به‌گونه‌ای که می‌توان تقابل ایران با محور عبری-عربی را تعیین‌کننده آینده ساختار امنیتی خاورمیانه دانست. در واقع، نقطه مشترک اعراب و اسرائیل در همکاری‌های امنیتی، مقابله با تهدیدهای امنیتی و نگرانی از نفوذ منطقه‌ای ایران است. در این وضعیت شکل‌گیری ائتلاف عبری-عربی که برخوردار از حمایت‌های امریکا است تنهاترین و اصلی‌ترین راهبرد این کشورها در مقابله با ایران و متحدان منطقه این کشور است. اسرائیل شاید به لحاظ نظامی از توانمندی شایان توجهی برخوردار باشد، ولی بدون صلح و همکاری با همسایگان عرب فاقد مشروعیت لازم برای ایفای نقش منطقه‌ای است. امنیت پایدار اسرائیل نیز در گرو همکاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی با اعراب است. از این رو تهدید بر ساخته از جمهوری اسلامی ایران فرصت مناسبی در اختیار اسرائیل و امریکا قرار داده است تا با ترغیب اعراب به حضور در سازوکارهای امنیت‌ساز منطقه‌ای بر پایه مشارکت جمعی و در قالب ائتلاف‌های منطقه‌ای مناقشه‌های امنیتی با ایران را مدیریت کنند.

۳.۴. پیشران‌های بین‌المللی

درک چرایی و چگونگی تحول در محیط امنیتی کشورها به شدت متأثر از فهم تحولات بین‌المللی، مناسبات حاکم بر قدرت‌های بزرگ و شناخت منافع و اولویت‌های آنهاست. با تأکید بر دو اصل کلیدی که نخست سیاست بین‌المللی و سیاست داخلی همواره در تعامل بوده

و فراگیرانه به‌طور همزمان بر یکدیگر اثر می‌کنند؛ و دوم اینکه تأثیر نظام بین‌الملل متناسب با اولویت‌ها و تمایلات قدرت‌های بین‌المللی متفاوت و متغیر است (Hinebusch and Ehteshami, 2010: 20). بنابراین تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر امنیت منطقه‌ای دولت‌ها بسته به محیط متحول بین‌المللی، ماهیت منطقه و همچنین منافع و توانمندی قدرت‌های بزرگ متفاوت است.

۴.۳.۱. بازتعریف نقش و منافع خاورمیانه‌ای قدرت‌های بزرگ

ساختار امنیتی خاورمیانه معاصر با حضور قدرت‌های غربی بر مبنای موازنه قوا و با هدف تأمین امنیت انرژی، مقابله با رادیکالیسم اسلامی^۱ و حمایت از اسرائیل بنا شد. در شرایط کنونی ولی بازار بین‌المللی انرژی با خودکفایی امریکا از واردات نفت در حال تغییر است، موجودیت اسرائیل تا اندازه زیادی تضمین شده و کشورهای منطقه نیز درگیر رقابت‌های عمیق ژئوپلیتیکی هستند. از سویی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی حکایت از تمایل چین و روسیه برای ورود به معادلات امنیتی خاورمیانه دارد؛ نیاز حیاتی چین به نفت خلیج فارس، سرمایه‌گذاری کلان در صنایع زیرساختی و نیل به اهداف بلندپروازانه اقتصادی در چارچوب ایده «یک جاده یک کمربند» حضور چین را در آینده منطقه ناگزیر کرده است. انرژی خاورمیانه به‌ویژه منابع گازی و بازار فروش آن نیز یکی از انگیزه‌های اصلی روس‌ها برای ایفای نقش در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه است. گسترش روابط راهبردی چین و روسیه با دو تولیدکننده عمده نفت یعنی عربستان و امارات متحده عربی که هر دو از اصلی‌ترین هم‌پیمانان منطقه‌ای امریکا هستند، در کنار روابط نزدیک با ایران حکایت از اهمیت جایگاه این دو کشور در آینده خاورمیانه در کنار امریکا (Ghiselli, 2022). یکی از پیامدهای رقابت چین و امریکا، در تلاش ایالات متحده برای کاهش هزینه‌های مادی و معنوی در خاورمیانه با سپردن مدیریت مناقشه به متحدان منطقه‌ای و تمرکز بر شرق آسیا تبلور یافته است. در این زمینه امریکا تلاش می‌کند ضمن ایجاد ائتلاف‌های همسو در مناطق و حمایت‌های اطلاعاتی، نظامی و لجستیکی از آنها نقش رهبری این ائتلاف‌ها را بر عهده گیرد. یکی از دلایل تلاش‌های پیگیر امریکا برای پیشبرد صلح اعراب و اسرائیل در دوران ترامپ در این زمینه شایان توجه و تحلیل است (Moini, 2016: 4). ایالات متحده از ابتدای دهه نود میلادی و به‌طور مشخص پس از جنگ اول خلیج فارس قدرت بلامنازع خاورمیانه و خلیج فارس بوده و با وجود افول اقتصادی نسبت به دهه نود و اوایل سده بیست‌ویکم همچنان به‌عنوان مهم‌ترین معمار ساختار امنیتی خاورمیانه ایفای نقش می‌کند.

۴.۳.۲. تغییر راهبرد امنیتی - نظامی ایالات متحده در خاورمیانه

حضور فرسایشی نیروهای نظامی امریکا در افغانستان و عراق وضعیت این نیروها را از تعادل خارج و سرعت بازسازی آنها را کند نمود. از سویی تغییر در محیط امنیتی از یک سو و توسعه فناوریانه جنگ افزارهای نظامی از سوی دیگر نیروهای نظامی امریکا را به سمت کوچک، چابک، مدرن و کم هزینه تر شدن حرکت داده است. کاهش نیروهای زمینی مهم ترین رکن این برنامه است، به گونه ای که شمار این نیروها باید به اندازه سال های پیش از آغاز جنگ جهانی دوم کاهش یابد (Shanker and Cooper, 2014). یکی از دلایل کاهش نیروهای نظامی امریکا هزینه بالای آنهاست. گرچه رفع ضرورت و فایده مندی پایگاه های نظامی در الگوهای نوین نظامی دلیل مهم تر این تغییر سیاست است. از این رو در آینده شاهد کاهش پایگاه های نظامی امریکا در بخش های مختلف جهان و بهره مندی ارتش این کشور از فناوری های نوین خواهیم بود (Jamshidi, 2014:40). از سویی دولت باراک اوباما معیارهای نوینی را برای سنجش میزان تهدیدهای امنیت ملی امریکا ارائه داد که بر پایه آنها یک تهدید زمانی راهبردی تلقی می شود که منافع اساسی امریکا را به صورت مستقیم تهدید کند؛ در چنین شرایطی پاسخ امریکا نظامی خواهد بود. اوباما آستانه توسل به قدرت نظامی امریکا را بالا برد، و راهبرد این کشور در مقابله با تهدیدهایی که برای منافع ملی امریکا حیاتی نیست را به چندجانبه گرایی و استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، حقوقی و اقتصادی تقلیل داد. پایه این نگرش بر مبنای تعریف نوینی است که از منافع امریکا ارائه شد. در این تعریف منافع ایالات متحده بیش از آنکه جهان شمول باشد، محدود به منافع ملی و سرزمینی این کشور شد. درجه اهمیت منابع تهدید هم از گروه های تروریستی به دولتهایی تغییر یافت که به طور مستقیم منافع اساسی این کشور را تهدید می کنند (Jamshidi, 2014:41).

۵. دگرگونی محیط فراسرزمینی و آینده امنیت ایران

آن گونه که پیشتر تبیین شد مجموعه امنیتی خاورمیانه در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی شاهد پشورانها و روندهای نوینی است که حکایت از دگرگونی الگوهای نظم منطقه ای و تحول در محیط فراسرزمینی ایران دارد. در دهه های گذشته خاورمیانه با نظمی برون ساخت بر پایه هژمونی و دخالت قدرت های بزرگ مدیریت شده است. انباشت چالش ها و گاهی فرصت های برآمده از پویای امنیتی در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی که پیشتر شرح آن رفت، الگوهای نظم منطقه ای خاورمیانه را به سمت تغییرات سیستمی و دگرگونی سوق داده است. نشانه های چنین تحولی در بازیگران، فرایندها و ساختارهای منطقه ای مشاهده شدنی است. این وضعیت تهدیدهای چندلایه و پیچیده ای را متوجه ایران ساخته است.

در سطح داخلی، هویت‌گرایی در کنار ناپایداری و ناکارآمدی دولت‌ها از جمله مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر بر دگرگونی محیط امنیتی خاورمیانه است. رویارویی هویتی همواره زمینه‌ساز تنش‌های داخلی و منطقه‌ای بوده است. افزون‌بر این، کاستی‌ها و چالش‌های درونی دولت از جمله ساختار سست و ناپایدار دولت-ملت، نبود توسعه‌یافتگی سیاسی و بحران مشروعیت، بافت اجتماعی ناهمگون و کنش‌ورزی نیروهای هویت‌بنیاد را می‌توان به‌عنوان عواملی مؤثر در تداوم بحران‌های امنیتی خاورمیانه قلمداد نمود (Moini and Motaghi, 2021: 699). برای نمونه، در عراق و سوریه تجزیه‌طلبی کردی و احتمال بازسازی سلفی‌گری، در افغانستان قدرت‌یابی اسلام‌گرایان تندرو و قابلیت تسری این پویش‌های امنیتی به محیط پیرامونی، امنیت ایران را با تهدید روبرو ساخته است.

در سطح منطقه، ائتلاف عبری-عربی که با حمایت امریکا و مشارکت برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس پایه‌گذاری شده است، یکی از اجزای اصلی سیاست مقابله با بنیادگرایی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران است. روندهای منطقه‌ای حکایت از پیشرفت روند صلح‌سازی در آینده خاورمیانه و پیوستن دیگر کشورهای اسلامی به این فرایند دارد. در بخش‌هایی از خاورمیانه که از آن به‌عنوان «عمق راهبردی جمهوری اسلامی» (Khamenei, 2022) یاد می‌شد، وضعیت نیروهای پشتیبان ایران چندان مطلوب نیست. جریان شیعه عراق که کانون توجه میدانی جمهوری اسلامی بود، دچار انشقاق شده و نیروهای حامی ایران در وضعیتی ضعیف قرار گرفته‌اند. آینده سیاسی مبهم و نیاز به بازسازی سوریه، چه‌بسا دولت بشار اسد را در صورت تداوم به بهبود رابطه با اعراب تشویق کند. در لبنان نیز حزب‌الله که اصلی‌ترین متحد منطقه‌ای ایران است، در ضعیف‌ترین وضعیت سیاسی قرار گرفته و در آخرین انتخابات پارلمانی نیک‌بختی پیشین خود را از دست داد. در کنار موارد پیش‌گفته، ابهام در انگیزه قدرت‌سازی دولت‌ها بر پیچیدگی‌های امنیتی خاورمیانه افزوده است. تردید در ماهیت قدرت نظامی، دولت‌ها را در درک انگیزه‌های امنیتی رقبا بدبین ساخته است و چرخه‌ای از موازنه قوا و انباشت قدرت در پی دارد. الگوی انباشت قدرت نظامی با ستیزش اعراب و اسرائیل آغاز شد، با هم‌آوردی منطقه‌ای ایران و عراق در زمان پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران پیگیری شد، و پس از آن در گذران حضور نظامی امریکا در خاورمیانه و بستن پیمان‌های امنیتی-نظامی با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به بلندای خود رسید. این وضعیت که با تضعیف بی‌سابقه جایگاه داخلی دولت ایران همراه است، تهدیدهای امنیتی مهمی را متوجه امنیت منطقه‌ای این کشور می‌کند.

در سطح نظام بین‌الملل، بازتعریف نقش و منافع منطقه‌ای چین و روسیه موجب بازآفرینی سیاست مهار با تکیه بر راهبرد موازنه از دور و احاله مسئولیت از سوی ایالات متحده شده

است (Prifti, 2017:56). نیاز حیاتی چین به نفت خلیج فارس، سرمایه‌گذاری کلان در صنایع زیرساختی و تحقق بخشیدن به اهداف بلندپروازانه ایده «یک جاده یک کمربند» حضور این کشور در ترتیبات امنیتی و معادلات سیاسی آینده منطقه را ناگزیر نموده است. ژئوپلیتیک انرژی خاورمیانه به‌ویژه منابع گازی و تمایل رهبران کنونی روسیه به بازآفرینی جایگاه شوروی نیز از جمله انگیزه روس‌ها برای ایفای نقش در معادلات امنیتی منطقه است، ولی ضعف اقتصادی آنها در مقایسه با چین از ظرفیت اثرگذاری روسیه در آینده منطقه کاسته است. ایالات متحده خواستار تداوم الگوهای موازنه قوای فعلی با هدف حفظ برتری راهبردی خود و هم‌پیمانش در خاورمیانه است. از سوی دیگر ایجاد ثبات، اولویت اصلی قدرت‌های اقتصادی نوظهوری همچون چین بوده و ضرورت امنیتی آنها جلوگیری از افزایش تنش‌های منطقه‌ای است. در واقع اهداف اصلی چین مصون‌سازی زیرساخت‌های اقتصادی، تداوم جریان انرژی و تقویت مناسبات اقتصادی با همه طرف‌های درگیر در مناقشه‌های خاورمیانه بوده و طبیعی است برای نیل به این هدف سازوکارهای مختلف ایجاد ثبات، از ترغیب بازیگران اصلی منطقه به برقراری الگوهای مشارکت‌جویانه در حل و فصل ستیزه‌های منطقه‌ای تا تقویت الگوهای موازنه قوا را دنبال کند. با این حال به‌نظر می‌رسد آینده محیط امنیتی خاورمیانه بیش از هر تغییری متأثر از الگوهای تقابل منطقه‌ای با محوریت ایران، اسرائیل و عربستان سعودی باشد. در چنین فضایی جمهوری اسلامی ایران در تنگنای تحریم خارجی و نارضایتی داخلی قرار دارد؛ مشروعیت دولت به‌واسطه بحران‌های اقتصادی و نارضایتی‌های سیاسی اجتماعی به‌شدت کاهش یافته و دستاوردهای میدانی در عراق، لبنان و یمن در حال رنگ باختن است. رقبای منطقه‌ای ایران به سمت سازش و ائتلاف بر ضد ایران پیش می‌روند و به لحاظ اقتصادی و خرید تجهیزات نظامی وضعیت بسیار مناسبی دارند.

با این حال، عربستان و کشورهای شورای همکاری در رویارویی مستقیم با ایران بسیار محتاط عمل می‌کنند، ولی پشتیبان اصلی سیاست فشار اقتصادی بر ایران است و آن را نتیجه‌بخش‌ترین سیاست در رویارویی با این کشور می‌دانند. از سویی گره خوردن تحریم‌های اقتصادی به برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران در عمل مسیر دستیابی به توافقی پایدار و ایجاد تعامل سازنده بین ایران و غرب را دشوار ساخته است. در این شرایط، گرایش به شرق و انعقاد پیمان‌های اقتصادی و امنیتی با چین و روسیه که به‌عنوان تنها راه برون‌رفت از تنگنای موجود مورد توجه رهبران ایران قرار گرفته نیز با موانع مهمی روبه‌روست؛ جامعه ایران و نخبگان سیاسی این کشور در شرایط فشار و تحریم نگاه خوش‌بینانه‌ای به انعقاد پیمان‌های بلندمدت با چین و روسیه ندارند. نکته مهم‌تر آنکه این دو کشور در راستای اهداف بلندمدت اقتصادی و سیاسی خود در نظام بین‌الملل هرگز تمایلی به تقابل با امریکا، اسرائیل و به‌ویژه

کشورهای حاشیه خلیج فارس برای نزدیکی به ایران ندارند و در بهترین حالت خواستار روابطی متعادل و منطقی با همه بازیگران منطقه هستند. در چنین شرایطی تداوم سیاست امنیتی بر پایه انباشت قدرت و موازنه تهدید با موانع مهمی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو، خواهد بود.

۶. نتیجه

هدف پژوهش حاضر ترسیم چشم‌انداز امنیت ایران بر مبنای تحلیل پیشران‌های مؤثر در تحول محیط فراسرزمینی این کشور بود. منظور از پیشران‌ها تحولاتی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی است که بر محیط امنیتی و در پی آن امنیت ایران تأثیرگذارند. دگرگونی محیط فراسرزمینی دولت‌ها، متأثر از تحولات نظام بین‌الملل، تغییر در الگوهای تقابل و همکاری منطقه‌ای و نیز تحولات داخلی واحدهای سیاسی پیرامونی است. بنابراین تبیین تحولات پویای امنیتی در فضای پیرامونی دولت‌ها و ارائه بینشی واقع‌بینانه از امنیت منطقه‌ای آنها مستلزم تحلیلی چندسطحی است؛ در سطح داخلی، درک درون‌مایه و پیچیدگی تحولات سیاسی-اجتماعی و نیز شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی کشورهای منطقه مورد تأکید است. در سطح منطقه‌ای بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری الگوهای همکاری و منازعه بین‌دولتی اهمیت دارد و در سطح بین‌المللی نیز روابط دولت‌های منطقه با قدرت‌های بین‌المللی و عوامل خارجی مؤثر بر پویای امنیتی منطقه مورد توجه است. نظریه مجموعه بوزان با تأکید بر سطح تحلیل منطقه‌ای و در نظر گرفتن سایر سطوح تحلیلی و نیز بررسی عوامل تاریخی و متغیرهای فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری الگوهای بومی منازعه و همکاری منطقه‌ای ابزار تحلیلی مناسبی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، از این رو برای تبیین پویای امنیتی در محیط بیرونی ایران به‌عنوان رهیافتی مناسب در نظر گرفته شد. بر پایه یافته‌های پژوهش مجموعه امنیتی خاورمیانه در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شاهد پیشران‌ها و روندهای تحول‌ساز در محیط فراسرزمینی ایران است. این دگرگونی تهدیدهای چندلایه و پیچیده‌ای را متوجه امنیت ایران ساخته است. ایران پس از انقلاب به واسطه هویت نظام سیاسی و روابط خاص با آمریکا و اسرائیل ناگزیر از ورود به معادلات قدرت و امنیت منطقه‌ای خاورمیانه بوده است. تقویت بن‌مایه‌های هویت‌گرایی در سیاست خاورمیانه این کشور و فزونی رویارویی با آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی بازدارنده بهنجارسازی مناسبات امنیتی این کشور در محیط امنیتی خاورمیانه است. سیاست آمریکا و اسرائیل در برابر ایران با انگیزه مهار و تغییر رفتار سیاست خارجی آن ساماندهی شده است. این در حالی است که تغییر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی از یک سو در بند ایدئولوژی انقلابی بوده و

از سوی دیگر به هویت سیاسی بسیاری از نهادها و اشخاص پر قدرت گره خورده است و چنین تحولی اگر محال نباشد، دور از انتظار است. تهدیدهای برساخته از توان نظامی ایران در کنار حمایت‌های بی‌بدیل این کشور از هم‌پیمانان منطقه‌ای خود که در رویارویی مستقیم با عربستان سعودی و اسرائیل هستند، تهدیدهای مشترکی را متوجه آنها ساخته و زمینه نزدیکی آن دو را بیش از هر زمان دیگری فراهم نموده است. کوتاه سخن آنکه در وضعیت گذار و سیالیت محیط امنیتی خاورمیانه، ایران به یکی از مسائل اصلی امنیت منطقه‌ای تبدیل شده است. بازنگری طلبی در کنار سیاست انباشت قدرت، زمینه‌ساز جنب‌وجوش هم‌آوردان منطقه‌ای ایران در ایجاد نوعی هماهنگی برای حفظ وضعیت موجود با مهار سیاست‌های منطقه‌ای و تضعیف ایران خواهد بود. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند رهنمون سیاست‌گذاران برای تدوین راهبردهای آینده‌نگر باشد.

قدردانی

لازم است از معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و فصلنامه سیاست دانشگاه تهران بابت همکاری و همفکری ایشان قدردانی نمایم.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک‌بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

- Ahmadi, H. (2011). *Bonyād'hā-ye hoveiyat-e melli-ye Iran*, Foundations of Iran's National Identity, Tehran, Research Institute of Cultural and Social Studies, Ch 2. [In Persian]
- Ayub, N. (1995). *Over-Stating the Arab State: Politics and Society in the Middle East*. London: I. B. Tauris.
- Bell, W. (2012). *Mabāni-ye Ayandeh'pajohi: tārikhchēh, ahdāf, dānesh*, Foundations of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge, trans. Mustafa Tagavi and Mohsen Mohaghegh. Tehran: Defense Science and Technology Future Research Center. [In Persian]
- Blanchard, C.M. (2021). "Saudi Arabia: Background and U.S. Relations," Congressional Research Service, RL33533, 1-61. Available at: <https://sgp.fas.org/crs/mideast/RL33533.pdf> (Accessed 24 June 2022).
- Buzan, B; and et al., eds. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. London: Lynne Rienner.
- Buzan, B; Weaver, E. (2015). *Manātegh and ghodrat'hā: sākhtār-e amniyat-e bein'ol-mellal*, Regions and Powers: The Structure of International Security, trans. Rahman Kahramanpour. Tehran: Research Institute of Strategic Studies, Ch. 3. [In Persian]

7. Ghiselli, A. (2022). "Understanding China's Relations with the Middle East," East Asia Forum. Available at: <https://www.eastasiaforum.org/2022/04/05/understanding-chinas-relations-with-the-middle-east> (Accessed 2 February 2023).
8. Gordon, A. (2012). *Fahm-e āyandeh, Understanding the Future*, trans. Tayyebeh Vaezi. Tehran: Strategic Studies Research Institute. **[In Persian]**
9. Graham, D.A. (2015). "Israel and Saudi Arabia: Togetherish at Last?" The Atlantic. Available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2015/06/israeli-saudi-relations/395015> (Accessed 24 June 2022).
10. Hinebusch, R; Ehteshami, A. (2010). *Siyāsāt-e khārejī-'i keshvar'hā-ye khāvar-e miyāneh, Foreign Policy of the Middle East Countries*, trans. Rahman Kahramanpour and Morteza Masah. Tehran: Imam Sadegh University Press. **[In Persian]**
11. Jamshidi, M. (2014). "Tajdid-e tavāzon: estrāteji-ye kalān-e ayālāt-e motahedeh dar doreh-ye Obāmā, Rebalancing: US Grand Strategy in the Obama Era," *Journal of Political Science* 11, 3: 7-50. Available at: http://www.ipsajournal.ir/article_293.html?lang=en **[In Persian]**
12. Khamenei, S.A. (2022). "Bayānāt dar didār-e basijīān, Statements in the Basijian Meeting," farsi.khamenei.ir. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content? Id=47066> (Access 25 September 1402). **[In Persian]**
13. Lake, D; Morgan, P. (2015). *Nazm'hā-ye mantagheh'ī-ye; amniyati'sāzi dar jahāni novin (Regional Orders: Security in the New World)*, trans. Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi. Tehran: Strategic Studies Research Institute. **[In Persian]**
14. Migdal, J.S. (1988). *Strong Societies and Weak States: State-Society Relations and State Capabilities in the Third World*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
15. Moini, A. (2016). "Bohrān-e Qatar: zamīneh'hā and chashm'andāz, Qatar Crisis; Fields and Perspectives," Report 299 Center for Strategic Research. Available at: <https://csr.ir/000Aw>. **[In Persian]**
16. Moini, A; Motaghi, I. (2021). "Hoveyat'garāi va nazm-e mantagheh'ī-ye khāvar-e miyāneh, Identism and Regional Order in the Middle East," *Foreign Relations Quarterly* 13, 4: 714-693. Available at: http://frqjournal.csr.ir/article_146121.html. **[In Persian]**
17. Prifti, B. (2017) *Siyāsāt-e khārejī-'i āmrikā dar khāvar-e miyāneh, American Foreign Policy in the Middle East*, trans. Abdul Majid Saifi. Tehran: Qomes. **[In Persian]**
18. Shanker, T; Cooper, H. (2014). "Pentagon Plans to Shrink Army to Pre-World War II Level," *New York Times*. Available at: <http://www.nytimes.com/2014/02/24/us/politics/pentagon-plans-to-shrink-army-topre-world-war-ii-level.html> (Accessed 24 June 2022).

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



